

## داعش، میراث باستانی، و تماشای تخریب در رسانه‌های جهانی اومور هرمانشاه

درآمد: تاکنون دولت اسلامی ویدئوهای متعددی از تخریب و نابود کردن آثار باستانی منتشر کرده است. واکنش‌ها به این ویدئوها اغلب همان چیزی بوده که اومور هرمانشاه آن را "مصرف کردن داعش" خوانده و او در اینجا تلاش دارد تا با بررسی دلایل ساخت این ویدئوها، این مصرف‌گرایی را نقد کند.<sup>۱</sup>

مسعود حامد در مقاله‌ای که اخیراً در *المونیتور* منتشر شده خاطر نشان کرده است که داعش، یا همان «دولت اسلامی»، در فعالیت‌های اخیر خود سیاست «زمین سوخته» را در شمال و مرکز سوریه، در کوبانی و تل ابیض، واقع در غرب رود فرات و در مجاورت مرز ترکیه، پی می‌گیرد. در این نواحی اغلب اقوامی با پیشه‌ی کشاورزی و دامداری زندگی می‌کنند و اکثریت آنان را کردها تشکیل می‌دهند. بنا به گزارش‌ها، ستیزه‌جویان دولت اسلامی شهرستان‌های این سرزمین را خالی از سکنه و تخریب کرده، و سپس به تخریب مناطق روستایی روی آورده‌اند: دولت اسلامی در حال سوزاندن و از بین بردن زمین‌های کشاورزی است تا هرگونه چشم‌انداز و منابع امرار معاش ساکنان این جوامع را از بین ببرد. «زمین سوخته» راهبرد نظامی‌خشنی است که ریشه‌های عمیق تاریخی دارد و هدفش از بین بردن هرگونه چشم‌انداز امرار معاش و سلب حق بنیادین زندگی برای ساکنان محلی، حتی پس از پایان گرفتن نبردها، است.

### زمین سوخته

از جمله وجوه برجسته در برنامه‌های تخریبی دولت اسلامی در عراق و سوریه که اخیراً مورد توجه رسانه‌ها قرار گرفته برنامه‌ی آن برای تخریب میراث فرهنگی است که با خرد کردن مصنوعات موجود در موزه‌های باستان‌شناسی، ویران کردن محوطه‌های باستانی، منفجر کردن زیارتگاه‌ها، مقبره‌ها، و دیگر مکان‌های مقدس برای ساکنان محلی، و سوزاندن کتابخانه‌ها و بایگانی‌ها به نمایش در می‌آید. در این مقاله، من بر تخریب میراث باستانی به دست دولت اسلامی تمرکز می‌کنم. بنا به استدلال من، این تخریب را می‌توان به عنوان شکلی از خشونت مبتنی بر مکان در نظر گرفت که هدفش نابودسازی «حس تعلق» ساکنان محلی و «خاطره‌ی جمعی» کسانی است که این میراث به آنان تعلق دارد. بنابراین، تخریب میراث باستانی را می‌توان بخشی از همان راهبرد «زمین سوخته» در نظر گرفت که پیشتر اشاره شد. همچنین، به این بحث می‌پردازم که دولت اسلامی این تخریب‌ها را در قالب نمایش‌های رسانه‌ای (نمایش خشونت نسبت به مکان‌ها و اشیای متعلق به میراث فرهنگی) به دقت طراحی و تنظیم می‌کند، و این نمایش‌ها به عنوان بازآوری یا اجرای مجدد صحنه‌های تاریخی عرضه می‌شوند، نمایش‌هایی که به طور مداوم و به

<sup>۱</sup> آنچه می‌خوانید برگردان و بازنویسی مقاله‌ی زیر است:

Ömür Harmanşah (2015) 'ISIS, Heritage, and the Spectacles of Destruction in the Global Media', *Near Eastern Archaeology*, Vol. 78, No. 3, pp. 170-177.

اومور هرمانشاه استادیار تاریخ هنر در دانشگاه ایلینوی در شیکاگو است. «شهرها و شکل دادن خاطره در خاور نزدیک باستانی» (۲۰۱۳) و «مکان، خاطره، و التیام: باستان‌شناسی یادمان‌های سنگی آناتولی» (۲۰۱۵) از جمله آثار او است.

دقت به وسیله‌ی ساز و برگ تصویرسازی و انتشار داعش در برابر چشم‌ها قرار می‌گیرند، ساز و برگی که هرچه بیشتر از پیشرفته‌ترین فناوری‌های تصویربرداری و ارتباطی بهره می‌گیرد. به علاوه، واکنش‌های نسبتاً ضعیف نهادهای باستان‌شناسی در گوشه و کنار دنیا را مورد پرسش قرار می‌دهم، واکنش‌هایی که به ندرت از عبارات کلیشه‌ای و ابراز «نگرانی شدید» از تخریب میراث باستانی به دست دولت اسلامی فراتر رفته است. در عین حال، کوشش می‌کنم چرایی و چگونگی بیزاری داعش از میراث باستانی را با توجه به وضعیت سرمایه‌داری متأخر توضیح دهم.

## مصرف کردن داعش

از تابستان ۲۰۱۴، دولت اسلامی رویه‌ی غیرمعمولی را برای ویران کردن عامدانه‌ی محوطه‌های باستانی و موزه‌های باستان‌شناسی، در کنار حملات مستمر خود به زیارتگاه‌ها و نیایشگاه‌های مقدس مورد احترام ساکنان محلی، در پیش گرفته است. بنا به گزارش‌های خبری پرسروصدایی که اغلب توسط خود داعش منتشر می‌شوند، مکان‌های مهم میراث باستانی مانند موزه‌ی موصل، محوطه‌های باستانی نینوا، نمرود، و هترا، و احتمالاً آشور و پالمیرا مورد حمله قرار گرفته یا تهدید به نابودی شده‌اند. به این ترتیب، با مجموعه ویدئوها و تصویربرداری‌هایی که به شکلی حساب‌شده منتشر شده‌اند، به دنیا نشان داده شد که چگونه تندیس‌های باستانی خرد شده و بناهای برجسته‌ی باستانی منفجر می‌شوند. این خشونت‌ها و بازنمایی رسانه‌ای آن‌ها با فناوری پیشرفته، اهداف متعددی را در آن واحد تأمین می‌کند: از تحقیر ساکنان محلی و تبلیغ یک ایدئولوژی رادیکال تعصب مذهبی به منظور جذب ستیزه‌جویان تازه‌نفس از خارج تا بی‌حرمتی به ارزش‌های مرسوم و مشترکی که دنیای جهانی شده برای میراث فرهنگی قائل است. و این همه در حالی صورت می‌گرفت که گزارش‌های وسیعی در مورد بهره‌گیری داعش از تاراج و قاچاق عتیقه‌جات و متعلقات میراث باستانی منتشر شده بود. این تحولات مایه‌ی نگرانی شدید باستان‌شناسان، مورخان، و کارشناسان میراث فرهنگی خاورمیانه در سراسر دنیا بود.

از فوریه‌ی ۲۰۱۵، خشونت مستمر و هدفمند داعش علیه میراث فرهنگی به شدت مورد توجه قرار گرفته و شمار بی‌سابقه‌ای از محافل برای بحث و گفت‌وگو در این باره ایجاد شده، و اقدامات جسورانه‌ای از جانب نهادهای غربی برای مستندسازی و محافظت از میراث باستانی صورت گرفته است. با این حال، به نظر می‌رسد این تلاش‌ها تا حد زیادی تکرار همان خطابه‌های خسته‌کننده درباره‌ی لزوم محافظت از میراث باستانی در جریان درگیری‌های مسلحانه و حفظ آنها از گزند «افراط‌گرایان خشن» و جلب توجهات جهانی به این مسئله بوده، و عمدتاً عاجز از درک چالش بی‌سابقه‌ای بوده‌اند که دولت اسلامی با کارزار ضد-میراث باستانی‌اش در قالب نمایش‌های رسانه‌ای در سطح جهانی پیش کشیده است.

در ۲۶ فوریه‌ی ۲۰۱۵، دولت اسلامی ویدئویی روی یوتیوب گذاشت که تخریب عمدی تندیس‌هایی را به نمایش می‌گذاشت که به نظر می‌رسید اصل تندیس‌های باستانی در موزه‌ی موصل و یک محوطه‌ی باستانی در کردستان عراق‌اند. به دنبال انتشار این ویدئو، بحث داغی در رسانه‌ها و شبکه‌های اجتماعی مانند فیسبوک و توئیتر درباره‌ی سرنوشت آثار باستانی در دستان داعش درگرفت. در این بحث‌ها، آن خشونت‌ها فوراً و قویاً مصداق شمایل‌شکنی قرون وسطایی، عقب‌ماندگی جاهلانه، و نخوت ضدغربی شمرده شد.

البته، دولت اسلامی آن ویدئو را به سرعت از دسترس عموم خارج کرد، اما هزاران و شاید میلیون‌ها نسخه از آن به طور گسترده در شبکه‌ی اینترنت پخش شد و بی‌وقفه در وبسایت‌های خبرگزاری‌ها، پروفایل‌های فیسبوکی، توئیتهای، و پست‌های وبلاگی بازپخش شد. بسیاری از کاربران این رسانه‌ها واکنش‌های تند و خشم‌آلودی به آن

ویدئو داشتند، و در راستای اطلاع‌رسانی در مورد اعمال وحشیانه‌ی داعش و اثبات دیدگاه جهان‌وطنانه، انسان‌دوستانه، و متمدنانه‌ی خود مبنی بر محکوم کردن این رفتار نامتمدنانه با آثار باستانی، آن را به سرعت هم‌رسانی کردند. در حالی که وبلاگ‌نویسان و کاربران فیسبوک و توئیتر معمولاً از منتشر کردن ویدئوهای حاوی خشونت‌ورزی با انسان‌ها (مانند سر بریدن، اعدام، یا هرزه‌نگاری) خودداری می‌کنند، به نظر می‌رسید اشکالی در بازنشر تخریب آثار باستانی نمی‌دیدند.

اما فقط این نبود؛ چنین کاری به علاوه به عنوان مقاومت مجازی در مقابل رفتار غیرانسانی دولت اسلامی محبوبیت نیز پیدا کرد. در این بازنشرها و هم‌رسانی‌های بی‌وقفه در سطح جهانی، ویدئوهایی که عملاً توسط خود داعش به دقت طراحی و تنظیم شده بودند به صورت کالای تازه‌ای در آمدند که ظاهراً پیغامی را به شکل درست و غیرمغرضانه منتقل می‌کند. نکته‌ی حائز اهمیت این بود که، واکنش کاربران شبکه‌های اجتماعی نه نوعی طرد و واپس‌زنی، بلکه برعکس، نوعی توجه احساسی به این ماجرا در قالب روال آشنای مصرف‌گرایی بود. بحث‌ها در میان مقامات و مسئولان نهادها و سازمان‌های باستان‌شناسی و کارشناسان باستان‌شناسی خاور نزدیک و میراث جهانی کاملاً محدود و منحصر به محتوای ویدئوهای داعش بود، و به دنبال آن مجموعه‌ای از اظهارات کلیشه‌ای در محکومیت و ابراز نگرانی شدید از سوی سازمان‌ها و نهادهای مختلف مطرح می‌شد. رسانه‌های همگانی به سرعت به سراغ کارشناسان رفتند: از باستان‌شناسان، دانشگاهیان، و مسئولان موزه‌ها می‌خواستند مشخص کنند که کدام آثار باستانی واقعاً تخریب شده‌اند، و کدام‌ها اصل بوده‌اند نه بدل. امیدواری‌هایی پدید آمد مبنی بر این که بعضی از آثار تخریب‌شده جعلی یا نسخه‌ی بدل بوده‌اند. در این بحث‌ها، ویدئوهایی که داعش منتشر کرده به عنوان شواهد مستند عینی در نظر گرفته می‌شد، شواهدی که تخریب آثار اصیل باستانی از طریق آنها مورد بررسی قرار می‌گرفت. بحث چندانی در رسانه‌های همگانی درباره‌ی اصالت این ویدئوها مطرح نبود، و ماهیت طراحی و تنظیم‌شده و نمایشی آنها مورد تردید و تأمل چندانی قرار نمی‌گرفت. تنها پرسش مطرح در مورد اصالت ویدئوهای داعش بار دیگر به محتوای آنها مربوط می‌شد: تندیس‌های تخریب‌شده آثار اصیل متعلق به تمدن‌های بین‌النهرین بوده یا این که جعلی و نسخه‌ی بدلند؟

این پذیرش صاف و ساده‌ی تصویرپردازی‌های داعش به عنوان «مستند» احتمالاً تبعات نگران‌کننده‌تری برای وضعیت بشری ما دارد تا تخریب آن آثار باستانی. گذشته از این، ما ویدئوهای داعش را به عنوان شواهدی از تخریب تمثال‌ها و تصاویر به دست دولت اسلامی تماشا می‌کنیم و بنابراین ستیزه‌جویان داعش را افرادی بت‌شکن می‌شماریم، و این ادعای بت‌شکنی نیز همان چیزی است که دولت اسلامی با اشارات آشکار خود به دوران صدر اسلام به گرمی از آن استقبال می‌کند. با این حال، نکته‌ای آشکار را ندیده می‌گیریم: تمثال‌سازی و تصویرپردازی بی‌وقفه‌ی دولت اسلامی. حال، این پرسش پیش می‌آید: چگونه است که ما به نفرت ستیزه‌جویان داعش از بت‌ها و بازنمودها متقاعد شده‌ایم، حال آن که خود همان تصاویر نافذی را مصرف می‌کنیم که پیوسته در رسانه‌های جهانی به نمایش در می‌آیند، و همان ویدئوهایی را می‌بینیم که به گونه‌ای طنزآمیز به تماشایی‌ترین بازنمودهای خشونت علیه بشریت در دنیای معاصر بدل شده‌اند؟

واقعیت این است که، بنا به ایدئولوژی سفت و سخت و افراطی خود داعش و برداشت آن از «شرک» (پرستش اصنام و تمثال‌ها به عنوان خدایان باطلی که همردیف الله شمرده شده‌اند)، آن ویدئوها نیز باید به عنوان بازنمود و تصویرسازی محکوم و مطرود شمرده شوند. اما این برداشت‌گزینشی و متناقض از بازنمود تصویر را باید دقیقاً به عنوان یک «قدرت‌نمایی» مد نظر گرفت، و اگر ما به دولت اسلامی اعتراض داریم، به همان نحو باید این

قدرت‌نمایی را نیز به چالش بکشیم، نه آن که از آن استقبال کنیم. شاید نافذترین پاسخ به قدرت‌نمایی داعش از طریق تخریب آثار باستانی کارهای کارتونیست‌های مسلمان، جهاد آوارتانی و مهدی عمو رسولی، باشد که در آثار خود تناقضات بین خشونت‌ورزی‌ها و خطابه‌های سیاسی داعش را مطرح می‌کنند، و هم‌ارزی رایج «نوع بشر» و «میراث جهانی» را مورد مذاقه قرار می‌دهند (تصویرهای یک تا سه). این کارتونیست‌ها درس مهمی به رسانه‌ها و دانشگاهیان غرب می‌دهند: برداشت غیرنقادانه از فرآورده‌های تصویری داعش و در نظر گرفتن آنها به عنوان شواهد مستند صرفاً به معنای پشتیبانی و یاری‌رسانی به دستگاه تبلیغاتی دولت اسلامی است.

## دولت اسلامی و نمایش‌های تخریب

من، به عنوان مورخ هنری، بیش از آن که دغدغه‌ی محتوای ویدئوهای داعش را داشته باشم، به خود این پدیده‌ی تولید تصاویر علاقه دارم: به این فکر می‌کنم که آن ویدئوها اصلاً چرا ساخته شدند، آن خشونت‌ورزی‌های مجسم را چگونه به نمایش می‌گذارند، و بینندگان‌شان چه برداشتی از آن‌ها دارند. در راستای پیشبرد بحث، از خوانندگان دعوت می‌کنم ویدئوهای داعش را نه به عنوان منابع آرشیوی که باید برای دستیابی به اطلاعات عینی مورد کاوش قرار داد، بلکه به عنوان محصولات یک گفتمان ایدئولوژیک در نظر بگیرند، این کار به ما مجال می‌دهد تا در مورد مستند بودن آنها تردید و تشکیک کنیم. با چنین رویکردی، به علاوه می‌توانیم با اشاره به خصلت نمایشی این ویدئوها، ادعای مستند بودن‌شان را به چالش بکشیم.

در ویدئویی که داعش در فوریه‌ی ۲۰۱۵ منتشر کرد، نمایش‌دهندگانی با لباس‌های به دقت طراحی شده و با ریش‌های کاملاً آراسته در موزه‌ی موصل در حال حمله به تندیس‌های روی ستون‌ها و پایه‌ها تصویر می‌شوند: با در نظر گرفتن این واقعیت که داعش یا دولت اسلامی سازمانی متشکل از داوطلبانی با ملیت‌های متنوع (از کشورهای مختلف اروپایی و خاورمیانه‌ای و جز آن) بوده، تشخیص ماهیت طراحی و تنظیم‌شده‌ی رفتار و پوشش و ظاهر بازیگران این ویدئو، که در کارتون‌های پیش‌گفته به آن توجه شده، کار دشواری نیست. ستیزه‌جویان، با ژست‌های ناشیانه و علناً بی‌ظرافت، از زور بازوی خود برای سرنگون کردن تندیس‌ها بهره می‌گیرند، و با پتک و تبر آنها را تکه تکه می‌کنند. این نمایش‌ها حمله‌ی مستقیم و فیزیکی به مجسمه‌ها را به تصویر می‌کشند، و می‌توان آن‌ها را به منزله‌ی بازنمایش ویران کردن بت‌ها در کعبه، در صدر اسلام در نظر گرفت، و این نکته‌ای است که در خود این نمایش‌ها بارها مورد تأکید قرار می‌گیرد. این یک نمایش نیاکان‌گرایانه است که آگاهانه یک سنت متعلق به قرن‌ها قبل را اخذ کرده، خود را به لحاظ مذهبی به آن متصل می‌کند، و از آن برای توان‌بخشی به دستگاه تصویرسازی فوق‌مدرن داعش بهره می‌گیرد.

با وجود ناکامی ستیزه‌جویان در سرنگون کردن نگهبانان گول‌پیکر دروازه‌های آشور، به نظر من بازیگران آگاهانه این تندیس‌ها را برای چهره‌زدایی انتخاب کرده‌اند، به ویژه با توجه به حالت جاندار و تهدیدآمیز آن‌ها، و وجوه مرکب هول‌انگیزشان که ترکیبی از صورت آدم، تن شیر یا گاو، و بال‌های عقاب است، و همچنین با توجه به ابعاد عظیم و فراانسانی‌شان (تصاویر چهار و پنج). تندیس‌های سرنگون و درهم‌شکسته‌ی هترا در کنار موجودات خیالی چهره‌زدوده‌ی آشوری قرار می‌گیرند، و این همه بازنمایشی از جشن‌های کهنی است که به پاس بت‌شکنی برگزار می‌شد، با آداب و آیینی که بیش‌وکم به شکل موفق به اجرا درآمده‌اند. من این تحلیل نمایش‌بنیاد ویدئوهای داعش را گزینه‌ی متفاوت و مرجحی در قبال واکنش‌های دانشگاهیان خاورمیانه‌ای و غربی حساس به میراث باستانی می‌دانم، واکنش‌هایی که آن ویدئوها را به عنوان شواهدی کاملاً مستند مد نظر می‌گیرند.

## گفتمان میراث باستانی

این نکته نیز حائز اهمیت است که باید اثرات نافذ این نمایش‌ها را با توجه به سامانه‌ی گردش پول در سطح جهانی در دنیای معاصر و ارزش تاریخی‌ای که برای عتیقه‌جات و آثار باستانی قائل می‌شوند مد نظر قرار دهیم. تخریب آثار باستانی در موزه‌ی موصل و نمایش آنها در رسانه‌های تصویری و تبلیغاتی دولت اسلامی، توان و تأثیر خود را مستقیماً از فرض اصل بودن این آثار و منزلت یادگارانه‌ی آنها در سطح جهانی، و همچنین از اقتصاد سیاسی گردش عتیقه‌جات در بازارهای جهانی می‌گیرد، و البته به نظر می‌رسد که چنین بازارهایی در حال بدل شدن به یک صنعت در حال شکوفایی‌اند (تصویر شش). این صنعت جهانی با تقاضای فزاینده برای عتیقه‌جات قاچاقی در گوشه و کنار دنیا تقویت و تحکیم می‌شود. نمایش‌های تخریبی که داعش عرضه می‌کند دغدغه‌های این مؤسسات فراملی و دستگاه‌های ارزش‌گذاری میراث جهانی را مورد توجه قرار داده و از آنها برای طراحی و تنظیم نمایش‌های اثرگذار بهره می‌گیرند، تا به این وسیله همدلان و حامیان خود را تطمیع کرده، متعصبان بیشتری را به خدمت خود در آورند، ساکنان محلی را با نابودسازی حس تعلق آنان به میراث فرهنگی‌شان تحقیر کنند، و غربی‌های انسان‌دوست را به سخره بگیرند. این هدف چندسویه و اثرگذاری‌ای است که داعش با تخریب میراث باستانی دنبال می‌کند.

نمایش‌های رسانه‌ای داعش بسیار شبیه به «نمایش‌های تلویزیونی واقعی» (ریالیتی شوها) عمل می‌کنند که خود به شکل مؤثری مصرف محصولات رسانه‌های تصویری را تقویت می‌کنند. تولید این ویدئوها و مجموعه تصویرها که خشونت‌ورزی‌های هولناک داعش را در برابر چشمان ما قرار می‌دهند، خواه خشونت‌ورزی با انسان‌ها باشد و خواه خشونت‌ورزی با مکان‌های مقدس، میراث فرهنگی، محوطه‌های باستانی، یا موزه‌های آثار باستانی همه اغلب هدف اصلی از اعمال این خشونت‌ها به شمار می‌روند. همچنین، باید خاطر نشان کرد که ستیزه‌جویان دولت اسلامی برای تولید این ویدئوها، به شکلی آگاهانه و حساب‌شده، آن دسته‌ای از تندیس‌های باستانی را انتخاب کرده‌اند که با اجرای مجدد و تاریخ‌گرایانه‌ی آیین «بت‌شکنی» مناسب داشته باشند، نه صدها اثر باستانی کوچک‌تری را که در موزه‌ی موصل وجود داشتند. این ویدئوها و مجموعه تصویرها نمایش‌های طراحی‌شده‌ای هستند که در آنها تخریب و خشونت‌ورزی در واقع پیامد تصویربرداری و فیلم‌سازی است.

ما باید با مسئولیت‌پذیری، این احتمال را در نظر بگیریم که هم‌رسانی این ویدئوها و مجموعه تصویرها در پروفایل‌های فیسبوک، توئیتهای، و پست‌های وبلاگی و بازنمایش آنها به عنوان مستندات از خشونت‌ورزی، در واقع دلیل وجودی این ویدئوها و مجموعه تصویرها و هدف سیاست دولت اسلامی در قبال بشریت است. با بسط این استدلال، می‌توان گفت که تندیس‌های آشوری و پارتنی در موصل (اگر عملاً تخریب شده باشند) تنها به منظور ساخت همان ویدئوی مشهور تخریب شدند. ما نمی‌توانیم و نباید آن بازنمایی تصویری و سینمایی را صرفاً به عنوان یک گواه مستند مد نظر بگیریم. واقعیت چشمگیر این نمایش در همان تصویر و بازنمود آن جای دارد، بسیار شبیه ذهنیتی که بر تولید نمایش‌های تلویزیونی واقعی حاکم است. هدف اصلی، ساخت نمایش و تولید نمایش است: آنچه در آن اتفاق می‌افتد واقعی است، هرچند که کاملاً ساختگی و صحنه‌پردازی شده است.

برخلاف آنچه گفته می‌شود، دولت اسلامی تشکیلاتی با ایدئولوژی و ذهنیت عقب‌افتاده و قرون وسطایی نیست، بلکه به نظر من دولت اسلامی یک پدیده‌ی فوق‌مدرن است که در انتشار اخبار خشونت‌ورزی‌های خود از تواناترین ابزارها برای نمایش واقعیت مجازی و تصویری بهره می‌گیرد. بنابراین، ما باید راه‌های بهتری برای مقابله و برخورد

نقادانه‌تر با دستگاه تبلیغاتی دولت اسلامی پیدا کنیم، و از تلاش مذبحخانه برای تشخیص اصل بودن یا بدل بودن آثار باستانی که ستیزه‌جویان داعش در ویدئوهای خود تخریب کرده‌اند فراتر برویم.

برگردان و بازنویسی: نیما پناهنده

